زیبایـــی در فرش دستبـــاف ایـــران

نازیلا دریائی
کارشناس مرکز ملی فرش ایران

فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهار و پنج
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

چکیده

زیبایی فرش ایرانی یکی از عواملی است که باعث ماندگاری آن در جهان هنر شده است. شناخت بنیان چنین زیباییهایی، ارزیابی از فرش را هموار کرده و برای این ارزیابی، معیارهای مناسبی به دست می‌دهد. همچنین شناخت و به‌کارگیری عوامل تأثیر گذار بر مرغوبیت و زیبایی فرش ایرانی، به جاودانگی آن کمک خواهد کرد. از این‌رو لازم است مجموعة عناصر و عواملی را که باعث زیبایی فرش ایران می‌شود، شناخت و برحسب اولویت، طبقه‌بندی، تعریف و معرفی کرد. هدف از این مقاله، شناخت عوامل تعیین‌کنندة زیبایی در فرش دستباف ایران، و ارتباط عوامل مذکور با ارزشهای فرهنگی و هنری جامعه در جهت ارتقای استقبال مردم از فرش ایران بر مبنای زیباییهای آن است. سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه «آیا فرش دستباف ایران مبانی زیبایی شناسی دارد و این مبانی چگونه تبیین و تعریف می‌شود.» در نتیجه‌گیری مقاله ضمن صحه گذاشتن بر سؤال اول، این نکته را در می‌یابیم که زیبایی در فرش ایران قابل تقسیم بندی به دو دستة ظاهری و باطنی بوده و زیبایی ظاهری نیز خود به دوقسمت درونی و بیرونی تقسیم می‌گردد. طرح، رنگ و ابعاد از جمله زیباییهای ظاهری و بیرونی فرش دستباف است.

کلید واژگان

فرش دستباف، زیبایی، زیبایی شناسی فرش

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]

مقدمه

در بیان زیباییهای اثر هنری، کار ما نوعی قضاوت و نقادی است و در این قضاوت عوامل زیبا براساس کیفیات زیبا تعریف می‌شوند. این گونه ارزیابی، شناخت ما را نسبت به زیبایی فرش دستباف ایران بیشتر می‌کند؛ بدین گونه که با برجسته کردن زیباییهای حیرت انگیز آن، جلوه‌های آشکار و پنهان موجود در اثر را - که ممکن است دیدگان مخاطب سالیان دراز با آنها قرین بوده، لیکن نسبت بدانها شناخت دقیق نداشته باشد - در یک قیاس طبیعی از نهفتگی بیرون آورده و در مورد آن قضاوت کنیم. با در نظر گرفتن مراحل نقد اثر یعنی توصیف، تأویل و ارزیابی، در مرحلهٔ توصیف، بعد از تعریف واژه‌های کلیدی و مهم، باید به تمامی جوانب، حتی ویژگیهای جامعه شناختی و روانشناسانه توجه کرده و در مرحلهٔ تأویل، آنها را تفسیر و تجزیه و تحلیل نماییم. می‌دانیم که تأویلهای بیشتر، ارزش اثر را بیشتر می‌کند. در مرحلهٔ ارزیابی فرش دستباف ایرانی بر مبنای کیفیتهای زیبا، در می‌یابیم که قرابت، سازگاری و به هم پیوستگی جزء جزء عناصر و عوامل مؤثر در زیبایی فرش، دلیلی بر اشراف و بینش آگاهانه و نه از سر تصادف هنرمندان پدیدآورندهٔ اثر است.

زیبایی و زیبایی‌شناسی چیست؟

شایسته است برای بسط موضوع تحقیق، ابتدا معانی واژه‌هایی که پژوهش براساس آنها شکل می‌گیرد، شناخت و تعریف کرد. در همین ارتباط «زیبا یعنی زیبنده و خوب و نیکو، و زیبایی یعنی زیبا بودن، و زیباشناسی یعنی شناختن زیبایی.» (فرهنگ عمید) آنچه موجب شود تا با بهره‌گیری از مجموعه حواس ظاهر و باطن یا هردو، از درک اثر زیبا لذت ببریم، زیبایی است. زیبایی‌شناسی، یعنی دانش شناختن زیبایی، در قرن هجدهم میلادی پایه‌گذاری شد و قدر مسلم آنکه شرق نیز همانند غرب با اساس و بنیاد دانش فوق ارتباط مستقیم داشته و هماهنگ بوده است، هر چند نظریه پردازان غربی توضیحات و تألیفات بیشتری در این خصوص ارائه نموده‌اند، ولی در عوض، هنرمندان شرقی بخصوص ایرانی، در زیبایی آفرینی هنر، قدمت بیشتری داشته‌اند.

افلاطون در تعریف زیبایی در رسالهٔ مهمان می‌گوید «زیبایی اتحاد میان دو متضاد است. زیبایی همیشه هست، بزرگ و کوچک نمی‌شود، ابدی است، در مقایسه با یک چیز زیبا و در مقایسه با چیزی دیگر، زشت نمی‌گردد، انسان وقتی به زیبایی دست می‌یابد، آن را معاوضه نمی‌کند.» (افلاطون، ۳۶ و ۶۱) از دید افلاطون، زیبایی نشانی از عشق دارد.

اگر از آرای متفاوتی که درباره معانی زیبایی وجود دارد، بگذریم و به تعریف قریب‌تر خویش در این تحقیق نزدیک شویم، متوجه این حقیقت خواهیم شد که زیبایی مورد نظر ما مجموعه عواملی است که ذهن و حس آدمی را درگیر اثر می‌سازد. ذهن انسان امروزی کشش علمی دقیقی دارد و از این نظر، با ذهن انسان جوامع بدوی که کاملاً حسی بود، کاملاً متفاوت است. به همین دلیل باورهای اسطوره‌ای و نمادین در ذهن انسان بدوی قوی بود. نگرش به زیبایی در آن با توجه به ساختار مشترک انسان و طبیعت - که از راه ریاضیات سنجیدنی است -

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]

معنا می‌شود. طبیعت خاستگاه اولیه الهام هنرمند و عامل خیال‌پردازی ذهنی و نقش کردن او است. کافی است در این ارتباط، هنرمند زبان برقراری و ایجاد ارتباط را بداند. در آن صورت، با درک اشکال طبیعت، نقوش تصویر شده در هستی خود را رقم می‌زند و در این طریقة نقش کردن است که نسبت در نظر گرفته می‌شود و با توجه به آن، آهنگ کار ساخته شده و نقش به وجود می‌آید که نقش چینش اشکال، در راستای فرهنگ تصویری اجتماع است.

«زیبایی یکی از منازلی است که هنر باید از آن بگذرد و به مرحله متعالی‌تر برسد.» (شریعتی، ۱۳۶۱، ۱۰)

در این دیدگاه عقل زیبایی را ادراک کرده و حس با معنا بخشی این دریافت، زیبایی را لمس می‌کند. این تفسیر با زیبایی قرآنی همسو است و قرابت دارد:

«و لکنّ اللهَ حَبّبَ الیکمُ الایمانَ و زینَهُ فی قلوبکمْ» (حجرات، ۷)

ولی خداوند ایمان را به دلهاتان محبوب نموده و ایمان را در دلهای شما با زیبایی بیاراست.

در تفکر اسلامی اصل و اساس زیبایی و زیبایی‌شناسی به خداوند بازمی‌گردد. روایت است که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که تأثیر زیبایی را در بنده‌اش ببیند. روح و اندیشة هنرمند ایرانی، اسلامی و مذهبی است و چنین باوری در اثر هنری او تجلی می‌یابد. پس باید در نظر داشت که علم و معرفت به هنر و زیبایی در تفکر اسلامی با معنای رایج آن در غرب که از قرن هجده آغاز شد، تفاوت دارد.

«مبادی هنر و زیبایی در اسلام کاملاً عرفانی و تابع نگرش معنوی مسلمین به حقیقت و هستی و آدمی و عالم است.» (پازوکی، ۱۳۸۴، ۵)

در این نگرش انسان زیبا آفرین، حقیقت زیبایی خداوند را به تصویر می‌کشد. چنین هنری از این روی که با حقیقتی جاودانه در ارتباط است، جنبه ملکوتی می‌یابد و با معارف باطنی و حکمت مرتبط می‌شود؛ منشاء آن فراتر از انسان بوده و از طریق هنر و شیوه‌های آفرینش آن، انکشاف حقیقت، صورت می‌پذیرد. با این دیدگاه، نه تنها اثر هنری بلکه شخصیت هنرمند، واجد ارزش و معنا می‌گردد؛ چون هنرمند با کسب معرفت الهی، عالمی فراتر و ژرف‌تر از عالم ماده را دریافت کرده و زبان او به فضایل معنوی آراسته می‌شود. این همان اصل «قیاس معکوس» است (نصر، ۱۳۸۰، ۴۳۲) یعنی اثر هنری با اینکه از ظاهری‌ترین مرتبه وجود (ساحت ماده) ساخته شده، لیکن با باطنی‌ترین جنبه وجود در ارتباط است. در این‌گونه تعریف از زیبایی، هنر آمیزه‌ای از صورت و معناست. این جهان پر از معناست و «روح یک اثر هنری در واقع معنایی است که اثر در آن بیان شده و به میزانی از معنا که در اثر گنجانده شده، بستگی دارد.» (اعوانی، ۱۳۸۰، ۶۰۸)

درک زیبایی فرش دستباف ایرانی برای همگان مقدور است چون فرش ایرانی، هنری کاربردی بوده و استفاده روزمره آن، این هنر را با زندگی مردم عجین ساخته است. فرش ایران هنری مردمی است و به سادگی به زندگی آنان وارد و از طبقاتی شدن مجزا شده است. بنابراین روح و اندیشه زیبایی دوست ایرانی، توان دریافت چرایی زیبایی فرش ایران را دارد و با این قابلیت

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]

بر ارزشهای ماندگار این هنر خواهد افزود.

زیبایی در فرش ایران

برای بررسی عوامل زیبایی در فرش پس از جمع و دسته‌بندی کردن و در نظر آوردن تمامی موارد مربوط، نوعی تقسیم‌بندی کلی را ملاک قرار می‌دهیم. این عوامل به دو دسته باطنی و ظاهری تقسیم می‌شوند. مراد آن است که عوامل باطنی را منسوب به حالات روحی، معنوی و دریافتهای درونی هنرمند نموده و آنها را در بطن هنر نهفته بدانیم. این عوامل بیشتر خصوصیات روانشناختی، جامعه‌شناختی و رویکردهای مذهبی و دینی هنرمند را در برمی‌گیرد. برای این بررسی لازم است بدانیم در طول زمان، فرشبافی تحت تأثیر چه عواملی قرار گرفته و تغییر کرده است و این عوامل چگونه بر ویژگیهای کیفی فرش - که به گونه‌ای با زیبایی آن مرتبط است - تأثیر گذاشته‌اند. آیا دین، سیاست، اقتصاد، صنایع، بیگانگان و دیگر کشورها بر فرش ایرانی تأثیر گذاشته‌اند یا خیر؟

مجموعه عوامل ظاهری نیز خود به دو دسته قابل تقسیم است: درونی و بیرونی. درونی آن قسمت از زیباییهای فرش است که در نگاه دقیق‌تر و دوم دیده می‌شود و بیشتر توسط بافنده و متخصصان فرش به چشم می‌آید. مهمترین زیباییهای بیرونی فرش عبارت هستند از طرح و نقش، رنگ و ابعاد.

۱. زیبایی طرح و نقش

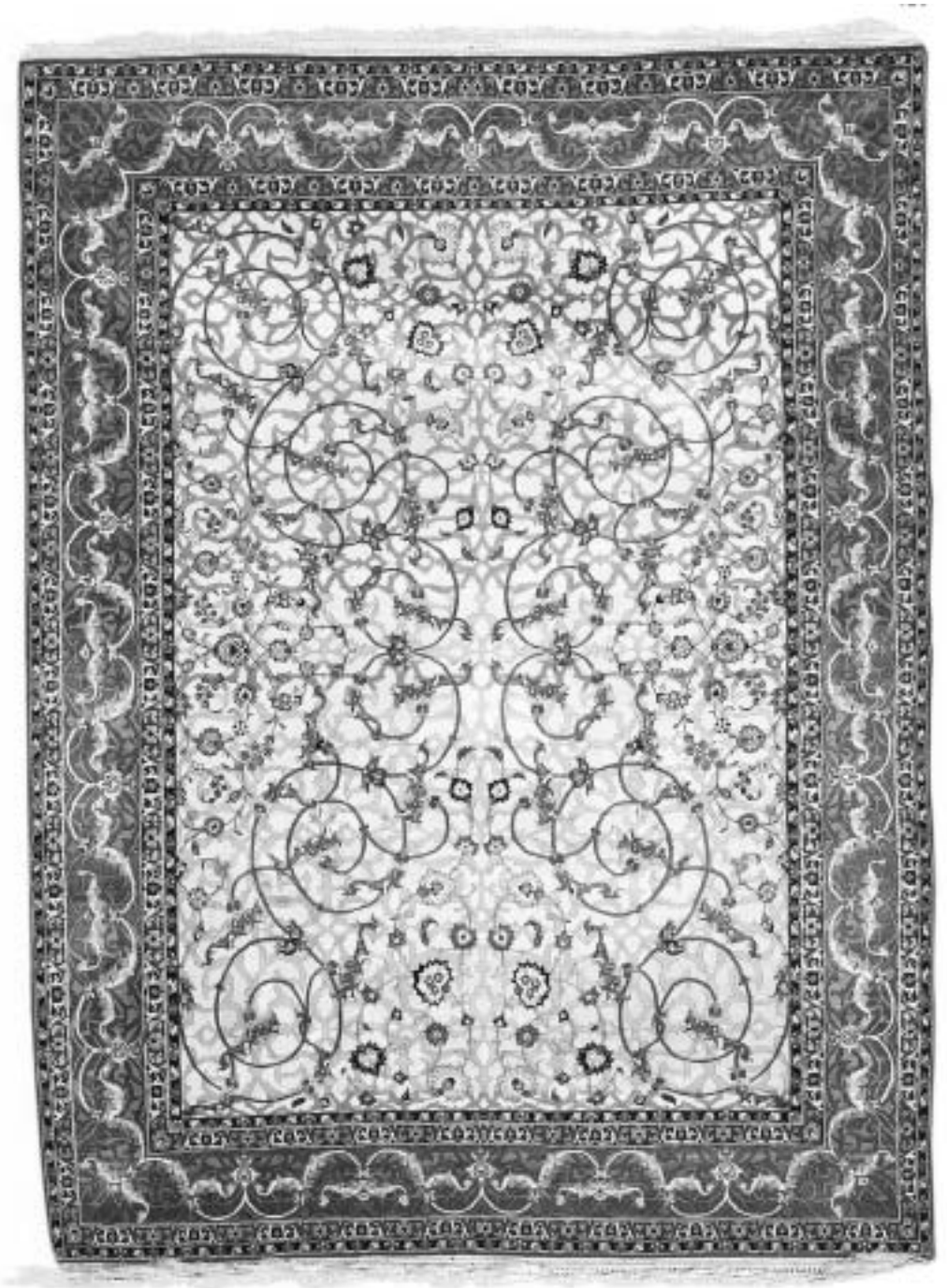
طرح و نقش از اصلی‌ترین عوامل در زیباییهای فرش ایران است و ویژگیهایی دارد که رعایت و کاربرد آنها در طراحی، باعث ظهور تصویری زیبا در ذهن مخاطب می‌شود. این عوامل هم در متن و هم در حاشیه فرش وجود دارد به گونه‌ای که می‌توانیم روابط حاکم بر عناصر اصلی طراحی را در دو قسمت متن و حاشیه فرش، در نظر بگیریم. در اینجا به اجمال به ذکر بعضی قواعد موجود طراحی حاشیه فرش می‌پردازیم.

کمیت عناصر، کیفیت عناصر و اندازه نقوش، از جمله اصولی هستند که در طراحی حاشیه استفاده می‌شوند. استفاده از این عناصر در طراحی حاشیه، باعث برجسته‌تر شدن طرح متن یا حاشیه نسبت به همدیگر و یا در هماهنگی با یکدیگر می‌شود؛ به عبارت دیگر طراح با مهارت خویش، برای بیان زیبایی در نقش فرش، می‌تواند از هریک از مؤلفه‌های مذکور، به گونه‌ای خاص استفاده نماید.

در مبحث کمیت عناصر، استفاده از یک شکل و تکرار آن و یا شکلهای متفاوت و بیشتر باعث می‌شود تا طراح با شیوه خلوت و جلوت به پر کردن فضای حاشیه بپردازد، به عبارت دیگر، در این ویژگی، طریقه پوشانندگی فضای حاشیه، به وسیلهٔ نقشمایه مورد نظر انجام می‌شود تا متوجه شویم که تراکم، تمرکز و یا گسست نقشمایه‌های منفرد چگونه به زیبائی حاشیه فرش و هماهنگی میان اجزای طراحی متن و حاشیه، کمک کرده است. (تصاویر۱ و ۲)

در بحث کیفیت عناصر، جستجو می‌کنیم که طراح، نقش حاشیه را از نقش متن گرفته و یا حاشیه را مستقل از متن و به صورت مجزا نقش کرده است؛ یعنی نوع نقشمایه‌ها

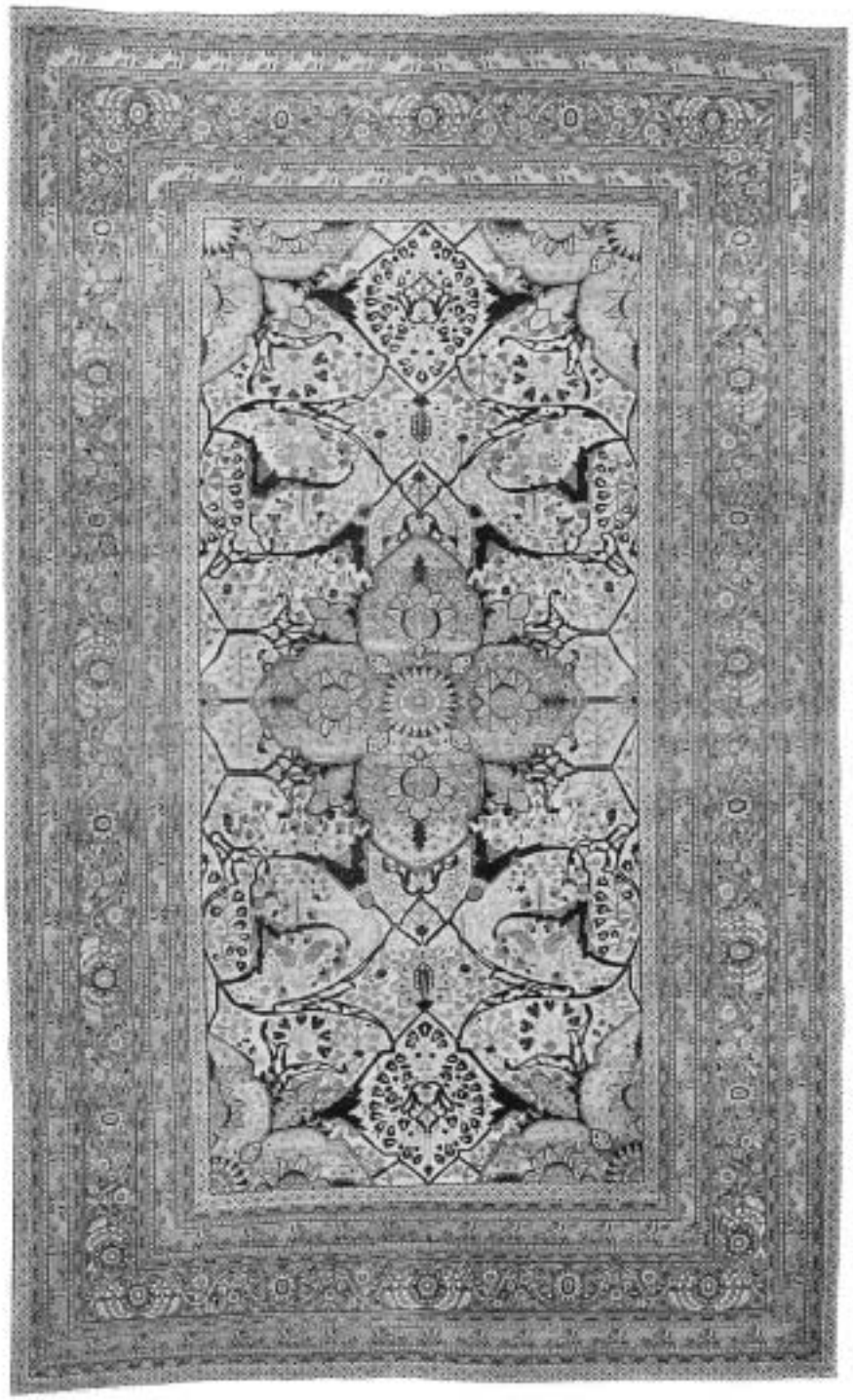
[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]



تصویر ۱: روابط حاشیه و متن (کمیت) نقوش حاشیه با تراکم و انباشتگی کمتری تصویر شده‌اند. (خلوت)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]

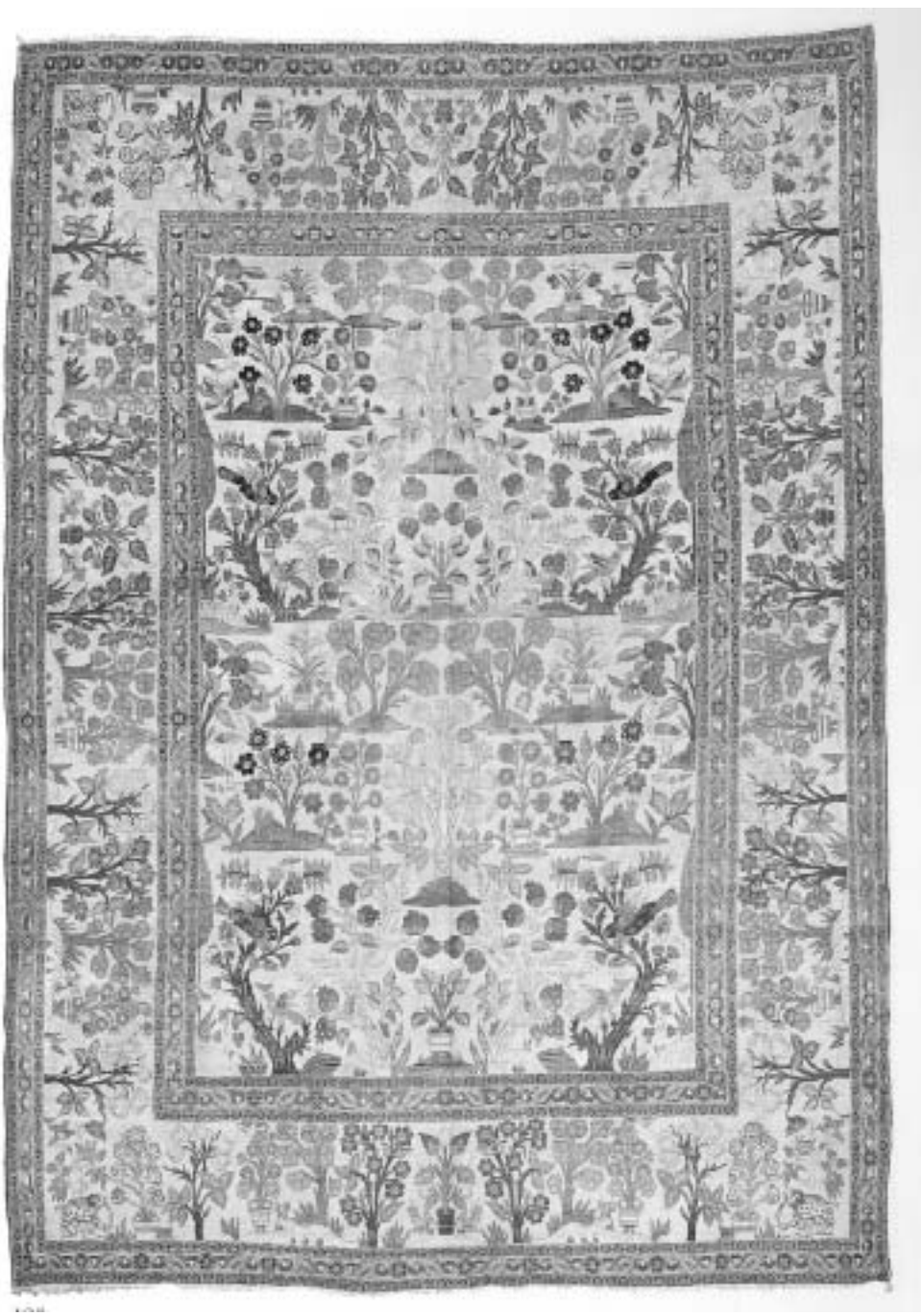
[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]



تصویر ۲: روابط حاشیه و متن (کمیت)، نقشمایه‌ها در حاشیه با تراکم بسیار تمامی فضا را پر کرده‌اند.

گلجام
فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهار و پنج
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]

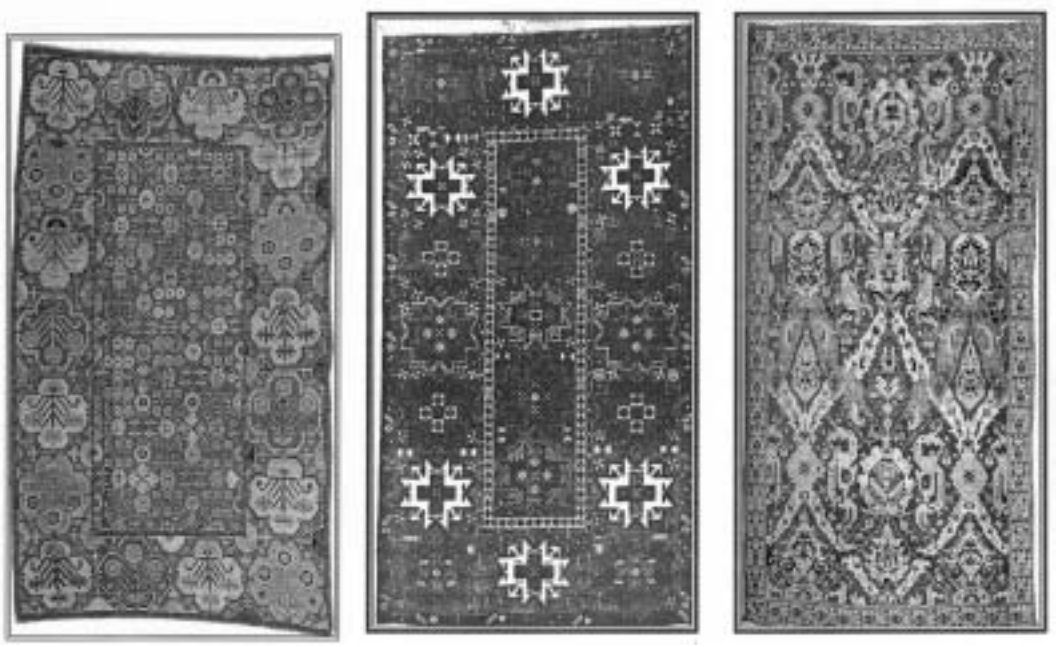


تصویر ۳: روابط حاشیه و متن نسبت به یکدیگر (کیفیت)، نقشمایه‌های حاشیه از نقشمایه‌های متن گرفته شده‌اند.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]

تصویر ۴: روابط حاشیه و متن نسبت به یکدیگر (به لحاظ اندازه)



اندازه نقشمایه‌های متن بزرگتر از حاشیه است — اندازه نقشمایه‌های حاشیه و متن یکسان است — اندازه نقشمایه‌ها در حاشیه بزرگتر از متن است

متفاوت از نقشمایه‌های متن فرش است. (تصویر۳)

در بحث اندازه نقوش حاشیه فرش، در حالتهای متفاوتی که بستگی به طرح متن و انتخاب طراح دارد، نقوش حاشیه به نسبت نقوش متن، ابعاد کوچکتر، بزرگتر یا هم اندازه با نقوش متن پیدا می‌کنند. (تصویر۴)

وقتی زیبایی در فرش پدیدار می‌گردد که عوامل حاشیه و متن در ارتباطی بینابین، یکدیگر را حمایت کنند. حاشیه کار بست طرح را انجام می‌دهد و قالبی برای تجمع عناصر پراکنده و تمرکز بصری است. چنانکه می‌دانیم حاشیه مانند سطحی بسته عمل می‌کند و «سطح بسته پایدارتر از سطح باز و بی‌حد و مرز است.» (گپس، ۱۳۷۹، ۱۶۷)

بدیهی است که عوامل یاد شده، تنها عوامل موجود و به کار رفته در طراحی حاشیه فرش نبوده و ممکن است موارد دیگری، هریک برحسب شناخت و تحقیقات محققی بدان اضافه گردد. یافتن این عوامل ما را در دستیابی به اصول و مبانی زیبایی علمی فرش موفق می‌سازد.

در طراحی متن و یا زمینهٔ فرش نیز نکات قابل توجهی وجود دارد که رعایت و به کارگیری آنها بر زیبایی فرش می‌افزاید؛ از جمله اینکه طراح با استفاده از قوانین ریاضی و یا قواعد تعادل، توازن و تناسب سعی می‌کند تا ترکیب‌بندی بصری طرح، واسطه ابلاغ زیباییهای آن گردد. استفاده از قوانین خاص هندسه و ریاضیات را، که با در نظر داشتن اولین زیباییهای بصری یعنی نسبت و تعادل صورت گرفته است، در مثال ذیل می‌توان به یاد آورد. (تصویر۵)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]

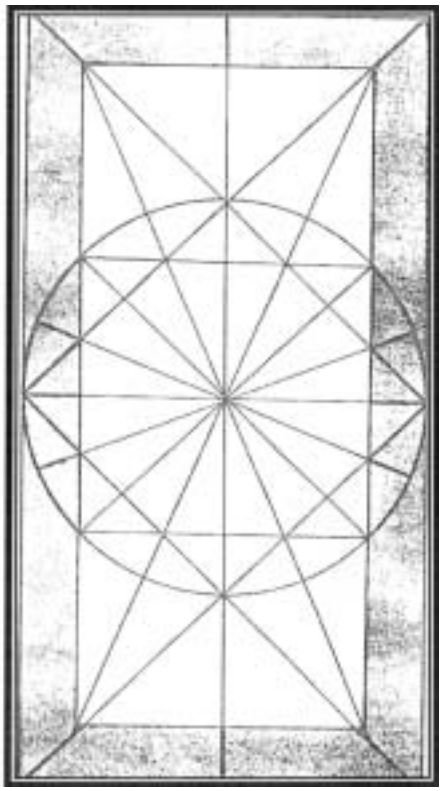
۲. زیبایی رنگ

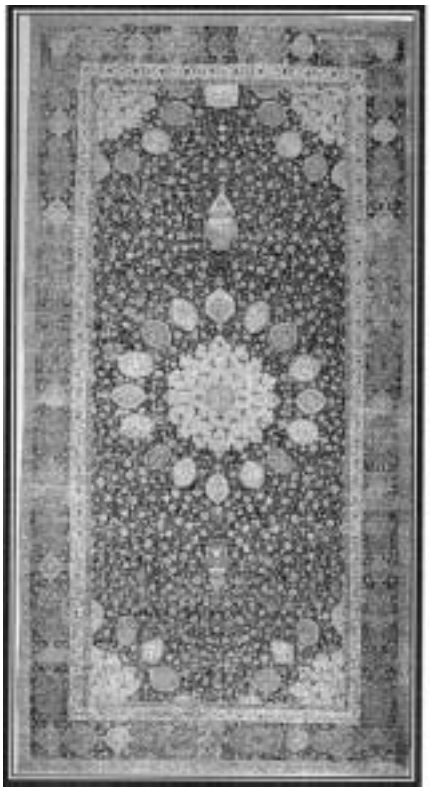
بعد از طرح و نقش، رنگ از مؤثرترین عوامل زیبایی فرش ایران است. استفاده از رنگزاهای طبیعی و گیاهی در قدیم، موجب مرغوبیت فرش می‌شد. با این شیوه رنگرزی مواد اولیه، در مقابل نور خورشید و شست‌وشو ثبات داشته و ملایمت و درخشندگی آنها بر کیفیت فرش می‌افزود. ولی سختی و مشقت بسیار این شیوه رنگرزی، وقت‌گیر بودن آن و گرانی برخی رنگزاها، به تدریج باعث رونق بازار رنگرزی شیمیایی گردید. همین امر یعنی اسلوب و طریقه رنگرزی گیاهی یا شیمیایی، عاملی تأثیرگذار بر زیبایی فرش است. ولی برای بررسی زیباییهای رنگ در فرش ایران، عوامل مربوط به جغرافیای بافت و رعایت اصول و مبانی رنگ در فرش نیز، از جمله مؤلفه‌های مهم است.

کاربرد رنگ در فرش در هر منطقهٔ جغرافیایی ایران، ویژگیهایی خاص دارد. از همین روی فرش اصفهان و نائین از فرش سیستان یا تبریز یا فارس تمیز داده می‌شود چون رنگ نیز علاوه بر طرح و نقش، به فرش هویتی ویژه منطقه جغرافیایی آن می‌دهد.

«در فرش اصفهان از حداقل دوازده تا حداکثر سی رنگ و در فرش نائین حداقل شانزده رنگ استفاده می‌شود. این در حالی است که در فرش تبریز تا هشتاد رنگ و در فرشهای تابلویی تا هشتصد رنگ کاربرد دارد. در اکثر رنگهای فرش اصفهان، رنگهای سرد به نسبت رنگهای گرم، کاربرد بیشتری دارد.» (محمدزاده، ، ۱۳)

فامهای گوناگون رنگی مورد استفاده در فرشهای مناطق





تصویر ۵: استفاده از تقسیمات هندسی در طراحی فرش، به همین شیوه، قواعد خاص دیگری برای طراحی نقوش متن فرش وجود دارد.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]

مختلف ایران شناخته شده هستند و دقت در نحوه همنشینی رنگها در کنار یکدیگر، ملایمت طیفهای رنگی و چگونگی تقسیم نقش به سطوح رنگی با در نظر داشتن مبادله میان تراکمهای رنگی، بر زیبایی فرش خواهد افزود چرا که توجه به این موارد، به ایجاد وحدت و انسجام رنگ در کل اثر منجر شده و با تمرکز بصری بر اثر، پراکندگی عناصر نقش و رنگ از همدیگر دور می‌شود.

با دقت بر تعدادی از فرشهای مرغوب و زیبا، می‌توانیم تأثیر استفاده از اصول و مبانی رنگ را در فرش تشخیص دهیم. نوع رنگ، درجه اشباع و درخشندگی آن و استفاده از تضادهای مختلف رنگی که ناشی از شناخت گامهای متفاوت آن است، هریک مباحث مربوط به مبانی علمی رنگ را متذکر می‌شوند که قابل انطباق با رنگرزی نقوش و طرح فرش است؛ مثلاً تأثیر روانی و احساسی رنگ قرمز و زرد، موجد حالت بسط و گسترش در وجود آدمی است و رنگ آبی موجد حالت انقباض و سکون. حتی جای رنگ، جهت رنگی در تصویر، وسعت سطوح رنگی و روابط تضاد رنگها با یکدیگر، از ارزشهای بیانی رنگ در ترکیب‌بندی برخوردار است. بدیهی است که با علم و شناخت مبانی رنگ، طرح و نقش فرش با کیفیت بهتری رنگ آمیزی شده و انتظار می‌رود که با افزودن به کیفیت اثر هنری، زیبایی آن نیز افزون شود.

با توجه به نکات مذکور، عوامل ذیل دلایلی برای جست‌وجوی انطباق علمی مبانی رنگ با کاربرد رنگ در فرش ایران است:

گریز از خلوت رنگی، استفاده از تراکم محدوده‌های رنگی و مبادلة تراکمها، تعادل درخشش و پرهیز از شدت رنگی، تقسیم طرح و نقش فرش به سطوح رنگی با توجه به وسعت سطوح و ... .

۳. زیبایی ابعاد

ابعاد و اندازه فرش از دو حیث بر زیبایی آن می‌افزاید:

۱) در صورتی که متناسب با نوع کاربری فرش باشد.

۲) در صورتی که نوع نقش و طرح انتخابی در تناسب با ابعاد در نظر گرفته برای بافت فرش توسط طراح باشد. به همین دلیل است که طرحهایی نظیر گلدانی و محرابی در ابعاد قالیچه، و طرحهایی نظیر خشتی و باغی در ابعاد قالی بافته می‌شوند.

در باب زیبایی‌های معنوی فرش که تحت عنوان تأثیر عوامل باطنی از آن یاد کردیم هم، شاخصهای گوناگونی بر زیبایی فرش تأثیر می‌گذارند؛ نظیر نیت و صدق هنری هنرمند، شهود، تخیل و الهام، حتی باورها و انگاره‌های مذهبی و دینی. و این بعد معنوی مستتر در روح فرش ایرانی است که تعادل میان صورت و معنا در هنرهای ایران را آشکار می‌سازد. بیانگری رازهای خاموش و مکنون پنهان در زیباییهای ظاهر، بر عمق زیباییهای باطن اثر هنری خواهد افزود و رمز ماندگاری آن را جاودانه خواهد ساخت.

■ نتیجه گیری

در داوری امر زیبا و عوامل مرتبط با ادراک زیبایی در فرش ایرانی، ممکن است برداشت کنیم که این نوع قضاوت بیشتر از آنکه عقلی باشد، مبتنی بر احساس

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]

است؛ یعنی ماده قضاوت در تخیل، تصور و ذوق انسانی قرار دارد. ولی با همین بررسی مجمل،قصد بر این بود که تعادل میان صورت و معنا و یا به عبارتی دیگر ذهن و حس بر ما شناخته شده و درک آن عینی‌تر شود. قبول داریم که شاکله ذوق را نمی‌توان بر مبنای داده‌های عینی برای قضاوت، قانونمند ساخت ولی می‌توان بنیانهای عقلی را برای قضاوت قانونمند حس و ذوق، استوار داشت. بر همین اصل بود که سعی کردیم به وسیله منطبق ساختن داده‌های علمی با آنچه حس و ذوق ما در قبول زیباییهای فرش می‌پذیرد، قضاوت نماییم که فرش دستباف ایرانی دارای اصول قدرتمند و مستحکمی است که زیباییها بر پایه آن شکل گرفته‌اند و چنانکه مبانی زیباییها، کشف و تبیین شوند، درمی‌یابیم که چگونه آنها با ارزشهای هنری و فرهنگی کشورمان پیوستگی و ارتباط دارند و برگی دیگر بر هویت ملی ایرانیان در جهان اضافه خواهند کرد. در واقع هنگامی در قضاوت خود از چنین زیبایی، موفق خواهیم بود که بتوانیم آنها را از طریق زبان و ادراک عمومی اشاعه دهیم. در این صورت کوشش ما، منشاء اثر خواهد بود. شاید ساده‌ترین راه احساس رضایت انسان در مواجهه با اثر زیبا، درک بصری وزن، آهنگ، تناسب و تعادل اشکال و رنگها با یکدیگر و نظم میان اجزا باشد ولی باید توجه داشته باشیم که بحث درباره جوانب هنری یک اثر از بحث درباره جوانب کاربردی آن مشکل‌تر است. جنبه کاربردی اثر عینی است ولی جوانب هنری اثر تنها بصری نیست و در اینجاست که حتی بحث هنر والا و هنر عامه نیز به میان می‌آید. چون هنر عامه به دلیل در نظر گرفتن سلائق بازار و مشتری تابع تغییرات آنی و به روز می‌شود ولی هنر والا آن است که در افزایش یا کاهش دیدگاههای هنرشناسی مردم، سهیم باشد و به این علت است که هنرمندی که هنر والا می‌آفریند، آگاهانه و از سر تعمق و تأمل طرح می‌زند، رنگ انتخاب می‌کند و تاروپود را به هم می‌بافد. در اینجا منویات درونی فرد با آمیخته‌های علمی و تجربی و ذوقی وی، درهم می‌آمیزد و در این حالت زیباییها را افشا کردن کار آسانی نیست چه دشواری شناخت در آن است که جوهر پدیدار در سطح و نما باقی نماند. هرچه هنرمند با استعدادتر باشد، گزینش او از حیات در اثرش، جوهر وجود انسان را بیشتر نشان می‌دهد و بدین‌گونه مخاطب با درک زیبایی، خود را در اثر تعریف و تفسیر می‌کند.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]

فهرست منابع

۱. اعوانی، غلامرضا، اشارت، **نشریهٔ همایش بین‌المللی معنای زیبایی**، شمارهٔ ۲، تهران: فرهنگستان هنر، ص ۶، ۱۳۸۰.

۲. افلاطون، رسالهٔ مهمانی، ترجمه رضا کاویانی و محمد حسن لطفی، تهران: ابن‌سینا، بی‌تا.

۳. پازوکی، شهرام، «مقدماتی دربارهٔ مبادی هنر و زیبائی در اسلام با شاره به مثنوی معنوی»، **هنرهای زیبا**، شمارهٔ ۱۵، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

۴. شریعتی، علی، هنر، تهران: اندیشمند، ۱۳۶۱.

۵. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.

۶. گپس، جئورگی، زبان تصویر، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: شقایق روستا، ۱۳۷۹.

۷. محمدزاده، ، مبانی رنگ در نقشه فرش،

۸. نصر، حسین، معرفت و معنویت، انشاءاله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۰.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1385.2.4.15.2]